فراخوان کنفرانس «امام حسین علیه‌السلام؛ میراث‌دار انبیاء و از تبار اوصیاء علیهم‌السلام»

کنفرانس علمی امام حسین علیه‌السلام؛ میراث‌دار انبیاء و از تبار اوصیاء علیهم‌السلام در چارچوب برنامه‌های «هجدهمین دوره جشنواره بین‌المللي ربيع الشهادة» برگزار خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری ابنا، کنفرانس علمی امام حسین علیه‌السلام؛ میراث‌دار انبیاء و از تبار اوصیاء (مؤتمر الإمام الحسين علیه‌السلام وريث‌الأنبياء وسليل‌الأوصياء العلمي) در چارچوب برنامه‌های هجدهمین دوره جشنواره بین‌المللی ربیع‌الشهاده برگزار خواهد شد.

مؤسسه وارث‌الانبیاء للدراسات التخصصية في النهضة الحسينيه که مسئولیت علمی این کنفرانس را بر عهده دارد، فراخوان آن را به شرح زیر اعلام کرد:

زیارت وارث به‌عنوان یکی از مهمترین زیارت‌هایی است که در مورد امام حسین علیه‌السلام وارد شده است و طیف وسیعی از اصول و ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و غیره را در بر می‌گیرد. این کنفرانس در راستای برجسته‌سازی ابعاد معرفتی و متنوع موجود در این زیارت، در چارچوب فعالیت‌های «جشنواره بین‌المللی ربیع‌الشهاده» برگزار می‌شود.

نحوه ارسال مقالات:

مقاله‌ها همراه با چکیده و رزومه نویسنده آنها (c.v.) به زبان عربی، فارسی یا انگلیسی، به‌صورت فایل word و pdf به یکی از دو طریق زیر ارسال شوند:

- پست الکترونیکی:
rabee.conf@warithanbia.com
- پیام‌رسان‌های واتساپ و تلگرام به شماره:
۰۰۹۶۴۷۸۵۰۳۱۴۱۵۰

آخرین مهلت ارسال مقالات:

نهم آبان ۱۴۰۳ ش. (مصادف با ۱۰/۳۰/ ۲۰۲۴ م.)

زمان برگزاری کنفرانس:

سوم شعبان ۱۴۴۶هـ. ق. سالروز میلاد امام حسین علیه‌السلام (مصادف با چهاردهم بهمن ۱۴۰۳ ش. و ۲۰۲۵/۲/۲ م.)

مکان برگزاری کنفرانس:

صحن حرم مطهر امام حسین علیه‌السلام

علاقه‌مندان، برای دریافت محورهای ارائه مقالات به سایت کنفرانس به نشانی: www.warithanbia.com مراجعه نمایند.

آغاز اولین فراخوان ملی ایده‌های نوآورانه «وقف و خیر»

اولین فراخوان ملی ایده‌های نوآورانه با موضوع «وقف و خیر» با حضور مدیر حوزه‌های علمیه کشور آغاز به‌کار کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب‌الله جلالی فراهانی، در حاشیه رونمایی این فراخوان در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه، با اشاره به بسترهای این فراخوان افزود: «راهکارهای افزایش مشارکت مردم برای ایجاد وقف جدید»، «راهکارهای افزایش انگیزه وقف در آحاد مردم»، «راهکارهای عملیاتی استفاده از ظرفیت منطقه‌ای و محلی برای ایجاد وقف جدید» و «راهکارهای افزایش اهتمام مردم نسبت به اجرای نیت موقوفات»، از جمله بسترهای این فراخوان ملی است.

مدیر مرکز نوآوری آلاء، به عرصه‌های این فراخوان اشاره کرد و گفت: این رویداد ملی در سه عرصه «بیان مسائل و ارائه راهکارها و ایده‌های نو»، «تیم ایده‌ها و طرح‌های نوآورانه» و «الگوها و تجربه‌های موفق توسعه‌پذیر» برگزار خواهد شد.

وی با بیان اینکه آخرین مهلت شرکت در این رویداد ۱۵ آبان‌ماه است، افزود: علاقه‌مندان از طریق پایگاه اینترنتی رویداد به آدرس www.aalaa.ir/vaqfe به ثبت ایده‌های نوآورانه خود بپردازند.

فراخوان دهمین دوره مسابقه پژوهش گروهی رشد

معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، فراخوان دهمین دوره مسابقه پژوهش گروهی رشد را منتشر کرد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، مرتضی کرامتی، در رابطه با دهمین دوره مسابقه پژوهش گروهی رشد، عنوان کرد: این مسابقه که ویژه پژوهش‌های گروهی طلاب و اساتید حوزه علمیه خواهران، با اولویت تحقیقات پیمایشی است، در حالی دهمین دوره را آغاز نموده است که تاکنون هزاران طلبه در بیش از ۱۰ هزار گروه پژوهشی در ادوار جشنواره، آثار خود را در سامانه مربوطه ثبت نموده‌اند؛ لازم به ذکر است، اکثر این گروه‌ها موفق به شرکت در ادوار مختلف جشنواره شده‌اند.

وی افزود: موضوعات بخش ویژه این دوره، موضوعات مرتبط با خانواده بوده و شامل عناوینی همچون «الگوهای ارتباط و تعامل در خانواده متعالی»، «راهکارهای پایایی و مانایی خانواده متعالی» و «نقش رسانه در استحکام و تزلزل خانواده» است.

مدیرکل پژوهش‌های عمومی حوزه‌های علمیه خواهران، با بیان اینکه طلاب علاقه‌مند به فعالیت‌های پژوهشی، تا تاریخ ۳۰ آبان‌ماه سال جاری فرصت دارند، آثار خود را به این جشنواره ارسال کنند، گفت: همچنین علاقه‌مندان جهت ثبت‌نام در این مسابقه، می‌توانند از طریق سامانه کوثرنت و لینک research.whc.ir اقدام کنند.

تمدید مهلت ارسال آثار به همایش «هوش مصنوعی، فرهنگ و علوم اسلامی»

مهلت ارسال چکیده آثار به دبیرخانه همایش بین‌المللی هوش مصنوعی، فرهنگ و علوم اسلامی، تا پایان بهمن‌ماه تمدید شد.

دکتر محمدرضا قاسمی دبیر ستاد راهبری فناوری‌های هوشمند حوزه‌های علمیه در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه، اعلام کرد: مهلت ارسال چکیده آثار به دبیرخانه همایش بین‌المللی هوش مصنوعی، فرهنگ و علوم اسلامی، تا پایان بهمن‌ماه تمدید شد.

دبیر ستاد راهبری فناوری‌های هوشمند حوزه‌های علمیه، زمان برگزاری همایش را در شهریورماه ۱۴۰۴ اعلام کرد.

امتداد یافتگی و امتداد باختگی تجربه ادبیات دفاع مقدس

نوشتاری از دکتر احمد شاکری عضو هیأت‌علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

در تاریخچه ادبیات پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پیدایی دوره ادبیات انقلاب اسلامی، با گونه ادبیات دفاع مقدس گره خورده است. این واقعه آن‌چنان عمیق، ناب، پرظرفیت و تأثیرگذار بود که از سویی نسلی از نویسندگان انقلاب اسلامی را در جریان تجربی و روایی خود پرورد و از سوی دیگر، امتداد موضوعی خود را تا چنددهه پس از قبول قطعنامه ۵۹۸، بر ساحت ادبیات سایه‌افکن ساخت. اکنون می‌توان گفت، پیشروترین گونه با تنوع نوعی، قالبی، رویکردی و شمارگان، عناوین، نویسندگان و ناشران، گونه ادبیات دفاع مقدس است. گرچه به‌واسطه دو ضلع محدودیت‌بخشِ شناخت موضوع و نحوه روایت از آن، نمی‌توان گفت، این‌گونه، در متعالی‌ترین و مطلوب‌ترین جایگاه خود قرار دارد؛ زیرا از یک‌سو، همچنان موضوعات و اعماق این واقعه به‌نحو کافی شناخته و استخراج نشده‌اند و از سوی دیگر، ظرفیت‌های انواع – خاصه ادبیات داستانی– در روایت این واقعه، به‌تمامه شناخته و به‌کار گرفته نشده‌اند.

با این وجود، ادبیات دفاع مقدس – خاصه ادبیات داستانی دفاع مقدس– با میزان قابل توجهی اندوخته نظری و تجربه عملی در طول چهاردهه گذشته مواجه بوده است. سؤالی که حرکت کنونی و آینده ادبیات دفاع مقدس را تأیید و تضمین می‌کند، شناخت جایگاهی است که در وضعیت موجود بدان دست یافته است. تجربه روایت‌گری چهاردهه، نقطه عزیمت چه حرکت گونه‌ای یا میان‌گونه‌ای در آینده ادبیات انقلاب اسلامی خواهد بود. روشن است که ناآگاهی نسبت به اندوخته پدیدآمده در ادبیات دفاع مقدس یا انکار حرکتی که از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد، می‌تواند موجب عقب‌گرد ادبیات انقلاب اسلامی و انقطاع حرکت ممتد جریان ادبیات انقلاب اسلامی شود. می‌توان فهرستی از عناصر و مؤلفه‌های ادبیات دفاع مقدس و گونه‌های دیگر را شماره کرد و نحوه امتداد ادبیات را از این نقطه به نقطه دیگر فرض کرد. نقاط مشترک را به‌عنوان حلقه‌های وصل و عناصر مشترک را موتور پیشران و رابط میان آینده و حال در نظر گرفت و نقاط افتراق را تأسیس یا بازسازی کرد.

ادبیات – خاصه ادبیات داستانی– امروزه در حرکتی بطئی و البته مستمر در حال توسعه دایره موضوعات خود است. این بدان معنی است که موقعیت‌های جدید، اشخاص، رخدادها، جغرافیا، دوره زمانی و دغدغه‌های خود را در روایت بسط داده است. این البته امری گریزناپذیر است. می‌شد از بدو شکل‌گیری ادبیات دفاع مقدس پیش‌بینی کرد، با وجود تمام مزایای منحصربه‌فرد و غیر قابل انکار این واقعه تاریخ‌ساز، جریان‌های ادبی به این موضوع بسنده نکرده، به‌موازات آن یا با انتخاب ژانرهای دیگر ادبی، تجربه‌های جدیدی را برگزینند. موج‌گونه‌سازی و گونه‌گزینی به‌قصد جریان‌سازی در ذیل ادبیات انقلاب اسلامی، نوعاً با تأسیس جشنواره‌های ادبی و برگزاری کارگاه‌های موضوعی داستان‌نویسی همراه است. سالیانه چندین و چند جشنواره موضوعی، نوعاً با حمایت نهادها و مؤسسات تأسیس می‌شوند و خاصه نویسندگان نوقلم و جویای نام را با پیشنهاد مشوق‌های مالی و معنوی با خود همراه می‌سازند. آنچه این تنوع‌گرایی را به مسئله‌ای بیناگونه‌ای بدل می‌کند،

چگونگی ترابط گونه‌ها با یکدیگر و امتداد صوری و معنایی آنها در تجربه‌ای است که از کلیت آن به‌عنوان ادبیات انقلاب اسلامی یاد می‌کنیم.

آنچه در تقریباً تمامی این موج‌آفرینی‌ها مشترک است، اکتفا به شناخت ضرورت‌های موضوعی از سوی متولیان امر است. این طیف که نوعاً از جایگاه مجری و نه نظریه‌پرداز یا منتقد یا جریان‌شناس با ادبیات مواجه می‌شوند و دست به مسئله‌شناسی و پاسخ‌گزینی می‌زنند، بخشی از ظرفیت‌های ادبی کشور را به سمت گونه‌های خاص داستانی هدایت می‌کنند. نوعاً مسئله‌گزینی‌ها از سنخ نگاه کمّی به ادبیات است و نه نگاه کیفی و عمقی. بدین معنی که چون درباره موضوعی، کمتر داستان تولید شده است و با این پیش‌فرض که درباره دفاع مقدس، آثار متعددی تولید شده، پس باید برای تولید گونه‌های جدید در ادبیات ریل‌گذاری شود. ساحت این برنامه‌ها محدود به موضوعات نبوده، گاه به محدوده انواع و قوالب ادبی نیز ورود می‌کنند. چنانکه با طرح کم‌تأثیر بودن خاطره یا انباشت خاطره، ادبیات را به سمت قالب خاطره–داستان و زندگی‌نامه داستانی سوق می‌دهند.

خلأ اصلی چنین برنامه‌ریزی‌هایی که جلوه‌فروشی‌های ادبی فراوانی دارند، فقدان مسأله‌شناسی، فقدان پاسخ‌گزینی و فقدان تئوری لازم درباره امتداد ادبیات دفاع مقدس است. می‌توانیم برای فهم بیشتر این موضوع، به چند دهه قبل بازگردیم. به زمانی که نسل داستان‌نویس پیش از انقلاب اسلامی، ادبیات متعهد را بایکوت کرده و به امید زوال و شکست این ادبیات، به نظاره نشسته بودند. آنچه موجب زایش ادبیات دفاع مقدس و به‌تبع آن ادبیات انقلاب اسلامی شد، جدای از بینش والا و ایمان راسخ، متن و بطن تجربه دفاع مقدس بود. حضور و درک دفاع مقدس بود که نگاه‌ها را به روایت از دفاع مقدس خیره ساخت و راویان و داستان‌نویسان را به سمت روایت از آن گسیل داشت. بنابراین «تجربه حضور»، وجه تمایز و امتیاز داستان‌های دفاع مقدس در مقابل طیف داستان‌نویس روشن‌فکری بود که در طول جنگ مجروحی نداده و شهیدی در میان‌شان یافت نمی‌شد. ادبیات دفاع مقدس، زاده زیست در معرکه‌های بزرگ و تماس با حقیقت و باطن دفاع مقدس بود.

اگر تجربه، رکنی اصیل در تولید داستان باشد، انتظار می‌رود، امتداد ادبیات غنی تولیدشده در پس دفاع مقدس نیز، ناشی از تجربه‌ای عمیق، مستقیم و ارزنده باشد. اینجاست که می‌توان یکی از دلایل مهم ضعف‌های محتوایی و حتی ساختاری آثار تولیدشده در جشنواره‌های رنگارنگ سالیان گذشته را برجسته ساخت. اینکه عمده آثار تولیدشده موضوعی در این جشنواره‌ها، جایی در زیست عمیق نویسندگان آنها ندارند. به این معنی که چنین جشنواره‌هایی حتی به آستانه ادبیات داستانی دفاع مقدس که از «تجربی نویسی» عبور کرده و به ساحت‌های روایت «معقول» دست یافته است نیز، نخواهند رسید. در این نقطه است که ادبیات داستانی که چیزی برای روایت ندارد، دست به دامان فرم شده و آثار مهارت‌جویان داستان‌نویسی و برگزیدگان جشنواره‌ای در زیر بار سنگین تکنیک‌های داستانی مدفون می‌شود. در این داستان‌ها با زندگی انسانی با تمامی فراز و فرودها و رنگارنگی‌اش خبری نیست؛ بلکه آنچه وجود دارد، تحمیل غیرهنری و غیرضروری فرم بر داستانی است که نمی‌خواهد یا نمی‌تواند، داستان بگوید. داستانی که تلاش می‌کند، با رنگ و لعاب فرم، بی‌چیزی و فقر تجربی و عقلانی خود را بپوشاند. ماده خام چنین داستانی، تجربه‌های عادی و تکراری است که با ذهنیت‌گرایی پیچیده روایت می‌شوند. داستان‌هایی که با وجود انتخاب موضوعات نو و عمیق تجربه غیرمستقیم سطحی را در بطن خود روایت می‌کنند.

با درک چنین بحرانی است که می‌توان تحلیل کرد، چرا تمامی عِدّه و عُدّه گردآمده در حوزه داستان‌نویسی و هزینه‌های صورت‌گرفته در کارگاه‌های داستان‌نویسی برخی مؤسسات و مجموعه‌ها، قادر نیست «زندگی» را به عمق و شفافیت و تنوع و زیبایی یک خاطره دفاع مقدس روایت کند. چرا قادر نیست، مخاطب را با خود همراه سازد و خواندن آثار منتخب برخی جشنواره‌های داستانی کاری شاق، ملال‌آمیز و ریاضتی دشوار است. چرا میان سلایق متولیان و داوران برخی جشنواره‌های ادبی با خواست خوانندگان آثار داستانی، فاصله افتاده است.

امتداد ادبی باید در کنار امتداد تجربی قرار گیرد. درصورتی‌که نبض جریان‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، زیر انگشت متولیان روایت و داستان باشد، باید بدانند امتداد تجربی واقعه غنی دفاع مقدس کجاست. در این صورت است که ادبیات از دل ذهنیت و ضمیر جامعه می‌جوشد و چون موجی گسترده می‌شود.

جنایت اخیر اسرائیل در لبنان، نشان از استیصال این دولت است

گفت‌وگو با دکتر عبدالوهاب فراتی عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

وقتی سرتیتر برخی روزنامه‌ها به‌ویژه روزنامه نیویورک‌تایمز را می‌خوانیم، می‌بینیم به‌نقل از چهره‌های شاخص و تحلیلگران سیاسی به‌ویژه تحلیل‌گر اسرائیلی نوشته‌اند: حملات اخیر این رژیم به دستگاه‌های ارتباطی در لبنان، مصداقی از سردرگمی تل‌آویو است.

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دکتر عبدالوهاب فراتی عضو هیأت علمی گروه سیاست این پژوهشگاه، در گفت‌وگویی، به بررسی چرایی انفجار پیجرها در لبنان توسط رژیم صهیونیستی پرداخت.

اسرائیل به‌لحاظ راهبردی سردرگم است

ازنظر نویسندگانی مثل پاتریک که در یک گزارشی از تحلیل این حوادث نوشت: اسرائیل گرچه از نظر حزب‌الله و از نظر حتی حامیان او ازلحاظ فناوری قدرتمند و نسبت به جبهه مقاومت برتری دارد؛ اما به‌لحاظ راهبردی سردرگم است و نمی‌داند، در مقابل آنچه در لبنان و در غزه اتفاق می‌افتد، چه کند، برای همین دست به فجیع‌ترین جنایت‌ها می‌زند تا بدین‌گونه، بخشی از افتضاحی را که در غزه به‌بار آورده، جبران کند.

گرچه اسرائیل به‌لحاظ جاسوسی و استفاده قدرتمند از توان نظامی و فناوری‌های جدید نسبت به جبهه مقاومت به‌ویژه حزب‌الله پیشروتر و قدرتمندتر است؛ اما به نظر می‌رسد، برای پیوند زدن این اقدامات به اهداف درازمدت دیپلماتیک و حتی ژئوپلیتیک سردرگم است.

از این‌رو خیلی از کسانی که حمله به لبنان از طریق پیجرها را دنبال می‌کنند، معتقد هستند که این حمله نه‌تنها برگ برنده‌ای برای اسرائیل نیست و نمی‌تواند، آن‌ها را به اهداف راهبردی خود نزدیک کند؛ بلکه نشان از اضمحلال یا استیصال این دولت است.

به‌همین دلیل ما می‌توانیم از دو زاویه، حمله اخیر به لبنان را بررسی کنیم؛ یکی از حیث فناوری که واقعاً جهان را تهدید می‌کند. از این به بعد اگر قرار باشد، کشتن از طریق پیجرها، گوشی‌ها، باتری لپ‌تاپ‌ها و امثال وسایل ارتباطی اتفاق بیفتد، هیچ‌کس در خانه خود امنیتی ندارد و هرلحظه ممکن گوشی یا پیجر یا لپ‌تاپ و حتی تلفن ثابت افراد جلوی صورتشان یا در دست‌شان منفجر شود که این بسیار رخداد خطرناکی است.

همچنان که در دوران شیوع کرونا، جهان این بیماری را یک بیماری خطرناک دید و یکدست شد تا بیماری را محدود کند، به نظر می‌رسد، این حمله در واقع گشوده شدن یک صحنه جدیدی از نبرد است که اساساً در آن از هیچ سلاح نظامی یا هواپیمای جنگی استفاده نشده و به‌راحتی به‌اندازه چند لشکر از کشورها مصدوم و کشته خواهد گرفت.

دنیا نباید خطر انفجار پیجرها توسط اسرائیل را نادیده بگیرد

امروز دنیا نباید این خطر را نادیده بگیرد اگر قرار باشد، نتانیاهو برای تداوم توحش و جنایت‌های جنگی خود به این سبک و سیاق پیش برود، جهان باید شاهد صحنه‌های خونین و وحشتناکی از کشتن انسان‌های مظلوم در خاورمیانه باشد که به نظر من، حتی برای تمدن غرب هم خطرآفرین است.

اما از زاویه دیگر وقتی به این حادثه توجه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که ضربات مقاومت آن‌چنان کاری بود که اسرائیل نتوانسته، علی‌رغم ادعاهایی که دارد، بر جنبش حماس غلبه کند و نتوانسته، غزه را به اشغال خود دربیاورد و از طرفی دیگر هم، در مقابل حملات لبنان به شمال اسرائیل ناتوان است. امروز اسرائیل برای فرار از این شکست‌ها و ناتوانی‌ها، دست به عملیات وحشی‌گرانه‌ای مانند انفجار پیجرها می‌زند.

حمایت‌های ریزودرشت آمریکا از جنایت اسرائیل

پاسخ به این پرسش واضح است؛ چراکه آمریکا به‌لحاظ مالی و تسلیحاتی علناً و مرتباً از اسرائیل در جنگ غزه حمایت می‌کند و اسرائیل، خط قرمز آمریکا در خاورمیانه به‌شمار می‌رود.

حتی در همین حمله اخیر اسرائیل با انفجار پیجرها در لبنان، بنا بر آنچه در اخبار رسمی آمد، بیمارستان وابسته به دانشگاه آمریکایی بیروت یک هفته قبل از این حادثه، اقدام به جمع‌آوری پیجرهای خود کرده است. این مسئله نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها از این حمله روزها قبل اطلاع داشتند و برای مصون نگه داشتن پرسنل خود در بیمارستان آمریکایی بیروت، اقدام به جمع‌آوری پیجرها کرده‌اند.

اسرائیل بدون آمریکا توان درگیری در خاورمیانه را ندارد

بی‌تردید اگر آمریکایی‌ها از اسرائیل حمایت نکنند، مساعدت مالی به آن‌ها ندهند و تسلیحات پیشرفته نظامی آن‌ها را تأمین نکنند، اسرائیلی‌ها توان درگیری درازمدت و حتی کوتاه‌مدت در خاورمیانه را ندارند.

مشکلی که آمریکا در جهان دارد، درواقع نابرابری دموکراسی در داخل و در خارج از کشور است؛ به این معنا که آمریکایی‌ها به‌رغم اینکه مدعی دموکراسی واقعی در درون کشور خود هستند که فرض می‌گیریم، چنین دموکراسی وجود دارد؛ اما چنین دموکراسی را در عرصه روابط بین‌الملل قبول ندارند و به‌اجرا درنمی‌آورند.

روابط آمریکا در منطقه به‌نفع اسرائیل است

شاهدِ بارز این تناقض در خاورمیانه رخ داده است و آمریکایی‌ها یک رابطه و یک برخورد برابر با کشورهای خاورمیانه ندارند و همیشه روابط آن‌ها به‌نفع اسرائیل است و در واقع از حالت تعادل خارج می‌کنند.

به‌محض اینکه حادثه‌ای در خاورمیانه اتفاق می‌افتد، اگر جبهه مقاومت یا ایران بخواهد، پاسخی بدهد اعلام می‌کنند، پاسخ ندهید؛ چون منطقه درگیر تنش گسترده و یک جنگ فرامنطقه‌ای می‌شود؛ اما هیچ توصیه‌ای برای اتمام جنگ در غزه توسط اسرائیل انجام نمی‌دهند و این برخورد دوگانه، نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها در عرصه بین‌الملل اساساً اعتقادی به دموکراسی ندارند.